

خداوند عزوجل در شب معراج به

پیامبر خود فرمود: یا محمد! احببه فانی اجتهه و احب من یحبه: ای محمد! او را دوست بدار! به راستی که من او و تمام محبتان او را دوست دارم. پیامبر رحمت که خاطرخواه زیاد دارد، میدانی درباره‌ی او چه فرمود؟: بآبی و آمی شمی و شبیهی ...: پدر و مادرم فدایش باد! او هم نام من و شبیه من است ...: مولا علی علیه السلام که مرام او غیر مسلمانان را نیز شیفته کرده است، وقتی در مورد اوصاف او سخن گفت با حالتی سرشار از عشق و اشتیاق به سینه‌ی خود اشاره کرد و آهی کشید. امام باقر علیه السلام پس از صحبت درباره‌ی حتمی بودن قیام او فرمودند: پدر و مادرم به فدای او که هم نام من و هم کنیه‌ی من است... و امام صادق علیه السلام را دیدند که روی خاکها نشسته و مانند مادر فرزند از دست داده به پهنای صورت اشک میریزد و زمزمه میکند: «افای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و خاطرهم پریشان ساخته و آرامش دل را از من گرفته ...» امام رضا علیه السلام نیز اینگونه از مهر خود به او سخن میگویند: «بآبی و آمی! سَمی جذی و شبیهی و شبیه موسی بن عمران علیه خبوت النور تنوَقَدُ شمعاً ضیاءَ القُدس ...»: پدر و مادرم فدای تو که هم نام جدم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران بر او جامه‌ها (نوارها)یی از نور است که از فروغ روشنایی قدس میدرخشد.

سرمایه عشق، امانت خداوند به راستی چرا انسان که خوبی جلوشان ننگ میاندارد، امام مهدی علیه افضل الصلاة و السلام را دوست دارند؟! این افتخار ندارد که همانی که همهی خوبان پس از شناخت او، عاشقش میشوند، امام ماست؟! دلی را ندیدم ز عشقت نلرزد جو از تو نوشتم، جو از تو برودم

انسانها همیشه شیفته‌ی آدمهای دیگر میشوند. شیفته‌ی مقام، جمال، کمال، قدرت و ... و وقتی شیفته شدند خاضع میشوند و سپس به زیارتشان میروند و برای گوشه‌ی چشمی از طرف آنها دست و پا میکنند و اگر از دستشان دادند، آثارشان را در موزه میگذارند و هر بار که دلشان تنگ میشود به آنها نگاه میکنند و لذت را مرور مینمایند. چرا همه عاشقم؟

از خودمان ببریم که ما شیفته‌ی کی هستیم؟! کدام هنرپیشه، کدام بازیکن، کدام پادشاه و کدام ... دلمان برده است؟! راستی چرا همه عاشقم؟ اگر به فطرت خود سرکی بکشیم جواب این سوال را میابیم. بله؛ فطرت ما کمال طلب است از همان ابتدا دنبال بهترینها بودیم و زیبایی و کمال را ستایش میکردیم و در مقابلش فروتن بودیم. اما فرق کمال حقیقی و مجازی در این است که حقیقی با تو میماند و افزایش مییابد و مجازی می‌رود و میگذارد. مثل کف دریا ابتدا شیفته می‌شود و سپس میبینی محو شد! حقیقت وحدت دارد و باطل پراکنده و مشوش است مثل بیداری و خواب. وقتی به زیارت کمال حقیقی می‌رویم، احساس لذت میکنیم؛ زیرا خود و وجود حقیقی خود را در آینه میبینیم؛ با خود میگوییم و به چه می‌توان رسید! انگار همان موقع قلمویی بر میداریم و جمالی را که دوست داریم برای خودمان میکشیم؛ درست همان جمالی که به زیارتش آمده ایم و فروتنانه مقابلش نشسته ایم.

لیلی لیلیها اگر بگویم که همانانی که کمال و جمالشان دلت را برده و به زیارتشان میروی، خود نیز عاشقند؛ برایت جذاب نیست که بدانی محبوب محبوب تو کیست؟ پس با من بیا تا نشانت دهم شیفتگی چیست و شیفته‌ی کی باید بود.

مهدویت و غرب

در شبکه فاکس نیوز، برنامه‌ای با مجری گری گلمبرگ (glemberg) مجری کار کشته‌ی اوینجلیست این شبکه، با محوریت امام دوازدهم (۱۲ امام) شکل گرفت.

در این برنامه وی با ارائه‌ی ایدئولوژی‌های زنده‌ی جهان مثل لیبرالیسم یا همان نظم نوین جهانی، حکومت خلافتی اسلامی و کمونیسم به تشریح دیدگاه خود در مورد امام زمان در این پازل می‌پردازد.

آقای گلمبرگ در این برنامه با معرفی ویژگی‌های ضد مسیح (antichrist) از دیدگاه مسیحیت و مقایسه‌ی آن با ویژگی‌های امام عصر از دیدگاه شیعیان، نتیجه‌گیری می‌کند که ضد مسیح همان امام دوازدهم است.

نتیجه‌گیری‌ای بسیار غیر قابل باور که در کنار حضور پژوهشگر معروف غربی جونل ریچاردسون (joel reardon) نویسنده‌ی کتاب پرفروش ضد مسیح اسلامی (the islamic antichrist) بیشتر روشن می‌شود. این برنامه دست پشت پرده‌ی غرب را در مورد اعتقاد به مهدویت برای ما روشن می‌کند.

شاهد مثال این تفکر در فیلم‌های هالیوودی بسیار دیده می‌شود. این سبک نگاه به مهدویت ایزاری ایدئولوژیک برای صهیونیست هاست تا بتوانند مسیحیان جهان را، در دشمنی با تفکر شیعه و ایران معتقد به امام زمان با خود همراه کند. تمامی این تحلیل‌ها در عرصه‌ی سیاسی، میدانی نیز تاثیر گذاشته است تا آنجا که موشه یلعون در مقاله‌ای با عنوان «ایران مهدی باور برای ما بسیار خطرناک تر از داعش است». در روزنامه‌ی لس آنجلس تایمز در سال ۲۰۱۶ می‌می گویند: «رهبران سیاسی هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات آمریکا ادعا می‌کنند از بین بردن داعش اولویت اصلی آمریکا در خاور میانه است. این در حالی است که موضوع داعش به اندازه‌ی مقابله پیش آمده توسط ایران مهم نیست، توافق هسته‌ای صورت گرفته با ایران در یکسال پیش ممکن است خطر بمب اتم ایران را کمی به عقب انداخته باشد اما تهدید چند جانبه‌ی ای که از طرف ایران نظامی، معتقد به امام زمان و دارای ۸ میلیون جمعیت بر منافع غرب وارد می‌شود، بسیار مخاطره آمیز تر از ارادل و اوپاش و آدمکشان سلفی مذهبی است که در موصل و رقه هستند...»

این تلاش‌ها در کنار تبیین آیه از قرآن کریم و طیفه‌ی ما نسبت به مسیحیان جهان را آشکار می‌کند.

مدیرمسئول: علیرضا نظری

صاحب‌العین:

علیرضا مسگری

هیئت تحریریه:

علیرضا مسگری

هادی فرامرزی

حسین حسینی

محمدعلی سرهست



تألیف:

سیدمحمدحسین

این باعث لذت نیست که ما به او خدمت کنیم؟! وجودی که آرزوی خدمتش را بزرگانمان داشتند. اینا کمال و جمالی بهتر از او سراغ داریم؟ قهرمان مهربان ما با کدام هنرپیشه و با کدام پادشاه قابل قیاس است؟! اگر ما مستعد عاشق شدیم، چرا عاشق عشق بهترین معشوقهای جهان نشویم؟ اگر ما مستعد این باشیم که خواسته‌های دل انسان کامل؛ شگفت‌انگیزترین موجود خلقت را برآوریم و این تکنیک روزی احساس شرم نخواهیم کرد؟! چرا برای برآوردن خواسته‌های محبوبمان نمیدویم؟

وقتی از خود خداوند تعالی تا هر فردی که مولای ما را میشناسد عاشقش میشود، چرا ما از قافله عقب بمانیم و دلمان را به عشقهای مجازی که محو شدنی هستند، بسپاریم؟ ما مستعد عشق هستیم

ما عاشق آفریده شده ایم و فطرتاً میل به انسانهای کامل داریم. انسان‌های کامل و دوست داشتنی خودشان عاشق امام مهدی علیه السلام بودند؛ پس ظرفیت عشقمان را برای غیر او به کار نبریم. وقتی از خود خداوند تعالی تا هر فردی که مولای ما را میشناسد عاشقش میشود، چرا ما از قافله عقب بمانیم و دلمان را به عشق‌های مجازی که محو شدنی هستند، بسپاریم؟ ما مستعد عشق به حضرت حجت ارواحنا فداء هستیم این استعداد را پرورش دهیم.

خداوند تعالی، در آیه ۸۲ سوره مائده می‌فرماید: (فقطا دشمن ترین مردم نسبت به مسلمانان یهود و مشرکان را خواهی یافت و نزدیک ترین دوستان نسبت به مومنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: ما نصاری (مسیحی) هستیم)

او ویژگی‌های مشترک را برای شخصیت دجال (jesus) در انجیل و امام دوازدهم در اعتقادات شیعه، اخوان المسلمین و حماس را (به برداشت خود) توصیف می‌کند. مثل این که هر دوی آنها در هنگام ظهور ۷ سال آشوب و خونریزی به پا می‌کنند.

مثل فیلم مردان ایکس (x-men apocalypse) یا فیلم جنگ جهانی زامبی‌ها، که در فیلم مردان ایکس منظور ترین و خشن ترین شخصیت آن تشابه عجیبی با امام عصر دارد.

این مطلب ادامه دارد... اللهم عجل لولیک الفرج

علیرضا مسگری



نام فرقه: نعمت‌الیه سلطنت‌الشیاهی گنابادی
تخلص فرقه: گنابادی

موسس فرقه: محمد سلطنت‌الیه
سال تاسیس: ۱۲۹۴ هجری قمری
قطب کنونی: نورعلی تابنده مجدوبعلیشاه
محل مرکزی فعالیت: تهران خاندان امیر سلیمانی
مهمترین مراکز جمعیتی: بخش بیدخت گناباد و بخش شده فسا

مهمترین منابع اقتصادی: علاوه بر عشریه (دریافت یک دهم مال اعضای فرقه) که از اتباع فرقه گرفته می‌شود این فرقه دارای شرکتهای اقتصادی و بنگاه‌های در آمدی هست که به برخی اشاره می‌شود:
الف- صنایع شیر دامداران

ب- صنایع کبک و کلوجه شکوهی (بج بیج)
ج- حدود ۶ چاپخانه و انتشاراتی مانند چاپ جنت بوجود، حافظ شیراز، انتشارات حقیقت تهران و...
مهمترین خطرات سیاسی اجتماعی فرقه گنابادی: رشد سریع، حرکت رسانه‌ای قوی، داشتن نیروهای مخالف نظام و آماده‌ی درگیری، نفوذ در دستگاه تشکیلات:

در راس فرقه قطب قرار دارد. بعد از قطب شیوخ فرقه هستند که در بسیاری از مناطق فعالیت و به عنوان شیخ نامیده می‌شوند. مهمترین شیوخ فرقه عبارتند از: یوسف مردانی شیخ کرج، محجوبی شیخ ملایر، خواجه گراشی شیخ فارس و ...

سماع: گرچه امروزه اقطاب این فرقه سماع را جایز نمی‌دانند لکن اغلب اقطاب گذشته این فرقه از مروجین و افراط گرایان در موضوع سماع بوده‌اند. اعتقاد به وحدت شخصی وجود و بی نیازی از عبادت هنگام فناء فی الله!

مسخنی در رابطه با قطب فعلی فرقه:

نورعلی تابنده مشهور به مجدوبعلیشاه در ۲۱ مهر ماه ۱۳۰۶ هجری شمسی متولد شد. وی تحصیلات قبل از دیپلم خود را در یکی از دبیرستان های تهران و پس از آن در سال ۱۳۲۷ رشته حقوق قضایی در دانشگاه تهران گذراند و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه عزیمت کرد. در سال ۱۳۳۶ پس از اتمام تحصیلات در رشته ادبیات فرانسه و اخذ دکترا در رشته حقوق به ایران بازگشت و پس از مدتی در دولت بازرگان در وزارت دادگستری، وزارت ارشاد و سازمان حج سمت‌هایی کسب کرد. او فرزند محمد حسن تابنده صالحعلیشاه، قطب دراویش گنابادی است که پس از برادرش سلطان حسین ملقب به رضاعلیشاه و پسر برادرش یعنی علی تابنده معروف به محبوب علیشاه به عنوان قطب سی و نهم سلسله نعمت‌الیه سلطنت‌الشیاهی گنابادی رسید.

نورعلی تابنده به دلیل تحصن دراویش گنابادی در سوم اسفند سال ۱۳۸۷ مقابل مجلس شورای اسلامی در میدان بهارستان تهران، روز سوم اسفند را که همزمان با کودتای شاه و روز اول سلطنت پهلوی است به عنوان روز درویش نامگذاری نمود. این تعیین روز خاص، یک برنامه سیاسی به حساب می‌آید که در طول دوران تصوف بی سابقه بود است.

توضیحات:

سلطان محمد بیچاره (فامیل نامبرده) گنابادی در سال ۱۲۹۴ این فرقه را تاسیس کرد. انحرافات عقیدتی وی باعث شد که مرحوم آیت الله آخوند خراسانی (صاحب کفایه) وی را مرتد اعلام نماید که در سال ۱۳۲۷ هجری قمری توسط عده‌ای از شیعیان در بیدخت گناباد در توالی خانه اش، خفه شد و بعد از آن، «قطبیت در خاندان وی موروثی شد. فرقه نعمت‌الیه گنابادی که گسترده‌ترین شبکه صوفی در ایران به شمار می‌رود، همانگونه که از نام آن معلوم است، نسبت طریقتی خود را به نعمت‌الله ولی (شاعر) می‌رساند که بی شک از اهل سنت بود. تفسیر بیان السعاده به سلطان محمد نسبت داده می‌شود لکن رجال شناس خبیر شیعه، مرحوم آقا بزرگ تهرانی کتاب شناس بزرگ معاصر در کتاب ارزشمند الذریعه می‌نویسد: برخی معتقدند این تفسیر مربوط به ملا سلطان است، اما نگاهی به اعراب اول آن نشان دیگری دارد. سپس می‌گوید:

عین عبارات این تفسیر در رساله شیخ علی ابن احمد مہانمی کوکسی متولد سال ۷۷۶ و متوفی ۸۲۵ مشهور به مخدوم علی مہانمی موجود است. همچنین الفاظ آن را سید غلامعلی آزاد بلگرامی در کتابش «سبحه المرجان» تألیف سال ۱۱۷۷ آورده است. (الذریعه جلد ۳ ص ۱۸۱).

برخی از انحرافات این فرقه:

تجسم صورت مرشد در عبادات، عشریه: اینها بر خلاف نص صریح قرآن به جای خمس عشریه را درست کرده‌اند که به قطب یا نماینده وی داده می‌شود. غسل اسلام: شخص قبل از تشریف به محضر قطب باید غسل اسلام کند! امام دانستن قطب (مهدویت نوعیه).

در قسمت دیگری از این روایت می‌خوانیم: «و بشر اهل السماء بعضهم بعضا بولادة فاطمة و حدث فی السماء نور زاهر لم تره الملائكة قبل ذلك: بعضی از اهالی آسمان به برخی دیگر ولادت حضرت زهرا را بشارت می‌دادند، و نور بسیار درخشانی در آسمان حادث شد که فرشتگان قبل از آن نظیرش را ندیده بودند.» در روایت اهل سنت آمده است: «فلما تم آمد حملها وانقضی وضعت فاطمة فاشرق نور وجهها الفضا آن هنگام که مدت حمل فاطمه تمام شد، خدیجه او را به دنیا آورد، و به نور جمال او، فضا روشن و منور گردید.»

این نور در روز قیامت آشکارتر خواهد شد، چنانکه از این عباس نقل شده که «در روز قیامت، اهل بهشت ناگهان متوجه می‌شوند که بهشت همانند روشنی روز توسط خورشید، روشن شد، سؤال می‌کنند که خدایا فرمودی «در بهشت خورشیدی وجود ندارد» پس این نور چیست؟ جبرئیل جواب می‌دهد، این نور خورشید نیست بلکه نور خنده فاطمه و علی علیهما السلام است.»

۴ - سجده هنگام ولادت

کرامت دیگر آن حضرت این است که به هنگام ولادت به سجده افتاد، چنانکه از خدیجه گیری نقل شده است: «فولدت فاطمة، فوقع علی الارض ساجدة رافعة اصبعها: هنگامی که فاطمه به دنیا آمد، به روی زمین به حال سجده افتاد در حالی که انگشت خویش را بالا گرفته بود.»

ادامه دارد...

خدیجه از این جواب سخت غمگین و ناراحت شد، در این هنگام چهار زن، همانند زنان بنی هاشم وارد شدند. در حالی که خدیجه از دیدن آنان هراسان شده بود، یکی از آن چهار زن به خدیجه گفت: غمگین مباش، پروردگارت ما را برای یاری تو فرستاده است. ما خواهران و یاوران تو هستیم. من «ساره» هستم، این «آسیه دختر مزاحم» رفیق بهشتی تو است و این هم «مریم دختر عمران» است و این یکی «کلثوم خواهر موسی بن عمران» است، خدا ما را برای کمک به تو فرستاده است تا یاور و پرستار تو باشیم.

یک نفر از آن چهار زن در سمت راست خدیجه، دومی در طرف چپ او، سومی در پیش رویش، و چهارمی در پشت سر او نشستند و فاطمه پاک و پاکیزه تولد یافت.

پس از تولد آن حضرت، ده نفر حور العین، که در دست هر یک ظرفی بهشتی پر از آب کوثر و یک طشت بهشتی بود وارد شدند و حضرت فاطمه را با آب کوثر شستند و دادند و سپس در میان پارچه‌ای که از شیر سفیدتر، و از مشک و غیر خوشبوتر بود پیچیدند.»

حضرت فاطمه علیها السلام در هنگام ولادتش حور العین و بانوان عالی مقام یاد شده را کاملاً شناخت و با ذکر نام به شک نک آن‌ها سلام کرد. این کرامت نشان می‌دهد که ملاقات و آشنایی آن حضرت با آنان بی سابقه نبوده، و آن وجود مقدس قبلا عوالمی را طی کرده و در مسیر ملکوتی خویش، آن فرستادگان آسمانی را دیده و شناخته است.

۳ - نورانی شدن مکه و جهان با نور ولادت فاطمه علیها السلام

کرامت دیگری که برای آن بانوی بزرگ اسلام ذکر شده، این است که چون آن مولود مقدس پا به دنیا نهاد، نوری از طلعت او ساطع شد که پرتو آن به تمام خانه‌های مکه وارد گردید، و در شرق و غرب زمین محلی نماند که از نور او بی بهره باشد، چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «فلما سقطت الی الارض انشرف منها النور... زمانیکه فاطمه علیه السلام پا به دنیا آمد، نور از او ساطع گشت.»

گوشه‌ای از کرامات حضرت زهرا (س)

در این مقاله بر آنیم تا به مناسبت میلاد دخت پیامبر عظیم‌الشان اسلام، گوشه‌ای از کرامت‌های حضرت زهرا علیها السلام را بیان کنیم.

۱ - سخن گفتن با مادر در دوران جنینی

در دوران بارداری خدیجه گیری، فاطمه علیها السلام از درون شکم مادر با وی سخن می‌گفت، به برخی روایات در این زمینه اشاره می‌کنیم:
الف) از خدیجه علیها السلام نقل شده است: در زمانی که به فاطمه حامله شدم، وی در شکم با من صحبت می‌کرد.

«لما حملت فاطمة كانت حملا خفيا تكلمني من باطني، زمانی که فاطمه را باردار بودم، حملی سبک بود و از باطنم با من سخن می‌گفت.»

ب) دهلوی نقل می‌کند: «آن زمان که خدیجه به فاطمه حامله گردید، وی در درون شکم مادر، با وی سخن می‌گفت و خدیجه این مطلب را از رسول خدا پنهان می‌کرد. روزی رسول خدا بر خدیجه وارد شد، دید با کسی سخن می‌گوید، بدون این که شخصی نزد او باشد، فرمود: با چه کسی سخن می‌گفتی؟ عرض کرد: با کسی که در شکم دارم. حضرت فرمود: «بشری یا خدیجه هذبه بنت جعلها الله ام احد عشر من خلفانی یخرجون بعدی و بعیهم!»

بشارت تو را ای خدیجه، این [آ را که در شکم داری] دختری است که خداوند او را مادر یازده تن از جانشینان من قرار داده است؛ که ایشان پس از من و پدرشان [علی علیه السلام به عنوان امام] خارج می‌شوند.»

۲ - آمدن حور العین و زنان بهشتی هنگام ولادت حضرت زهرا علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که زمان وضع حمل من نزدیک است، مرا در این امر یاری نمایید، ولی آنان پاسخ دادند: ای خدیجه! چون تو در ازدواجت از سخنان ما سرپیچی نمودی، و محمد یتیم را به همسری برگزیدی، ما نیز تو را یاری نمی‌کنیم.

